



بهترین مرگ از زبان امام سجاد(ع)/ امام حسین(ع) سعی کرد حادثه عاشورا گم نشود

حجت الاسلام و المسلمین جاودان با تشریح دو حدیث از امیرالمؤمنین(ع) و امام سجاد(ع) درباره مرگ، به حادثه کربلا و نحوه مواجهه امام حسین(ع) و اصحابشان با لشکریان یزید اشاره کرد و گفت: جریان عاشورا جریانی است ...

حجت الاسلام و المسلمین جاودان با تشریح دو حدیث از امیرالمؤمنین(ع) و امام سجاد(ع) درباره مرگ، به حادثه کربلا و نحوه مواجهه امام حسین(ع) و اصحابشان با لشکریان یزید اشاره کرد و گفت: جریان عاشورا جریانی است برای اتمام حجت برای همه عالم اسلام. تنها فرزند باقی مانده پیامبر(ص) با تمام خانواده‌اش آمدند قتل عام و اسیر شدند. برای چه؟ این باید سوال شود در همه عالم اسلام که مردم بگویند چرا و به چه دلیل؟ امام حسین(ع) سعی کرد که حادثه گم نشود. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی جاودان از اساتید اخلاق تهران، شامگاه سه‌شنبه 14 آبان ماه در دومین شب از دهه محرم الحرام در حسینیه آیت الله حق شناس، به تشریح دو حدیث از امام سجاد(ع) و امیرالمؤمنین علی(ع) پیرامون آمادگی برای مرگ و جبران گذشته پرداخت و گفت: شب گذشته گفتیم که زندگی هیچ کس برایش خیر ندارد مگر 2 دسته. یکی کسی که هیچ خرابی به بار نمی‌آورد و هر چه می‌کند خدمت، خوبی و خوش اخلاقی است. دسته دوم کسی است که خرابی‌های گذشته را جبران می‌کند. این دو آدم زندگی برایشان خیر دارد.

جبران گذشته خیلی مهم است

وی افزود: دقیق این مسائل را هم بنده و هم شما وقتی می‌فهمیم که از این عالم می‌رویم. البته ما هیچ کدامان که قصد رفتن نداریم! ما همه می‌خواهیم بمانیم و تاابد در اینجا باشیم. ما جریان زندگی را به این نیت اداره می‌کنیم که گویی همیشه در این دنیا می‌مانیم. فکری برای آن طرف نمی‌کنیم. اگر من فکر کار آنطرف را می‌کنم معنایش این است که جای دیگر را هم دارم. هر وقت من فکر جای دیگر را دارم، یعنی دارم جبران می‌کنم. این جبران کردن خیلی مهم است. آنهایی که کاسی دارند معمولا دفتر حساب دارند. این دفتر حساب را آدم اگر جدی بنویسد در پایان سال می‌داند که چقدر بدهکار است. خوب باید بدهی را بپردازد.

این مدرس علوم حوزوی یادآور شد: گاهی من نباید که فقط حلالیت بطلبم. به عنوان مثال من که به شما صد هزار تومن بدهکارم، باید پولت را بدهم تا جبران کنم. این برایت مفید است. در آن دینا برای هر یک قرانی که بدهکاریم جلویت را می‌گیرند. در قیامت یک زنجیر کشیدند. هر کسی که به کسی ظلم کرده از اینجا نمی‌تواند عبور کند. باید اینجا ظلمش را حل کند و رد شود. خب! همین دنیا اینها را حل کن. مکرر عرض کردیم که دوستانی که می‌خواهند کربلا و مکه مشرف شوند از هر کسی که فکر می‌کنند حقی بر گردنش دارند، حلالیت بطلبند. حلالیت جدی بطلب. اگر او جدی گفت تورا حلال کردم، تمام است و راحتی.

دعای چه کسی مستجاب است؟

حجت الاسلام و المسلمین جاودان تأکید کرد: اگر فرد هیچ بار گناهی نداشته باشد، دعایش مستجاب است. این کم است؟ اگر مظلوم خلق به گردن نداشته باشد و پاک و حلال خورده باشد، این آدم دعایش مستجاب است. اگر کم است، بفرمائید کم است. کسی که گذشته‌اش را جبران می‌کند، عمرش مفید است. ببینید ما زندگی برایمان اصل است. شما که درس می‌خوانید برای چه است؟ تجزیه و تحلیل داشته باشید و فکر کنید که آینده زندگی من چیست؟ دانشگاه می‌رود برای چی؟ برای اینکه کار بهتر پیدا کند. اگر مهندس شود ولو 10 هزار مهندس بیکار می‌گردند، بهتر است. بعد چه؟ وقتی وارد کار شد بعدش چه؟ کار هم برای زندگی است. همه کوشش‌ها برای زندگی است. این زندگی چند روز طول می‌کشد؟ 70-80 سال. بعدش چه؟ بعد ندارد؟ ما معتقدیم بعد دارد.

بهترین مرگ از زبان امام سجاد(ع)

وی به حدیثی از امام سجاد(ع) درباره بهترین مرگ اشاره کرد و افزود: خدمت امام زین العابدین(ع) عرض کردند: آقا! بهترین صورتی که یک آدم از دنیا می‌رود یعنی بهترین مرگ چطوری است؟ فرمودند: «ان یكون قد فرغ من ابنته و دوره و قصوره» وقتی آدم به بهترین مرگ از دنیا می‌رود که کاملاً همه خانه‌هایش را ساخته باشد. هر وقت قصرهایش را بنا کرده باشد و همه بناهایی که می‌خواهد بسازد، ساخته باشد، برو؛ این بهترین مرگ است». آیا فرمایش امام یعنی اینکه ما معمولاً ما یک خانه‌ای برای خودمان بسازیم و برای پسرمان هم خانه بسازیم و مثلاً به دختر هم برسیم. وقتی همه اینها تمام شد، بهترین وقت رفتن است؟ آیا امام هیچ وقت چنین شوخی‌ای می‌کند؟ گفتند یعنی چه؟ شما بهترین مرگ را برای کسی می‌دانید که

قصرش را ساخته؟ نه! قصر ساختن یعنی «قیل وکیف ذلک قال: ان یکون من ذنوبه تأثبا». یعنی از گناهانش توبه کرده است. «و علی الخیرات مقیما دائماً» در خیر است. یک دانه کار بد دیگر در زندگی‌اش نیست. آدم اگر بکوشد، می‌تواند به جایی برسد که شر در کل زندگی‌اش نباشد. همه کاری که می‌کند خیر است. «وعلی الخیرات مقیماً یرد علی الله حبیباً» وقتی بر خدا وارد می‌شود، حبیب است. حبیب یعنی چی؟ یعنی محبوب. بنده محبوب خداست. من محبوب به چه هستم؟ به کارهایی که کردم. ما که معصوم نیستیم؛ یک وقت ممکن است اشتباهی کنیم ولی جبران کردیم.

این استاد اخلاق تصریح کرد: بخش دوم می‌فرمایند دائماً کار خیر می‌کند. بهترین کار خوبی که ما بکنیم چه است؟ اینکه به مردم خدمت کنیم. شما اگر طبیب درجه یک باشید، بهترین خدمت را می‌توانی بکنی. هر چه هستی. یک کاسب معمولی جنس خوب با قیمت خوب به مردم می‌دهد و با مردم خوش رفتار می‌کند. اگر جنس خوب با قیمت خوب و اخلاق خوب بفروشی، آنوقت شب و روز شما، کار خوب است. لازم نیست که شما از صبح بروی مسجد. خادم مسجد را ببینی و در مسجد را برایت باز کند و تا ظهر نماز بخوانی. هیچ کس این را نمی‌گوید. تو معلمی، درس درست و خوب می‌دهی. آخرین حرفهای ممکن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهی. بهترین درس را می‌دهی و با بچه‌ها بهترین رفتار را داری. آدمیت یاد می‌دهی. معلم دبستان، راهنمایی و دبیرستان می‌توانند بسیار تاثیرگذار باشند. معلم حقوق هم می‌گیرد اما همه کارش خیر است. دائماً دارد کار خیر می‌کند. تاجر هم همینطور، سیاستمدار هم همین‌طور.

توبه یعنی جبران

وی در تشریح معنای توبه از گناه گفت: آدم از گناهان گذشته‌اش توبه می‌کند، یعنی چه؟ یعنی جبران می‌کند. من یک نماز از دستم رفته مثلاً جبران می‌کنم. استغفرالله جبران نیست؛ جبران خواندن قضایش است. امام سجاد(ع) در ادامه می‌فرمایند «یرد علی الله حبیباً کریماً» فردی که شرحش را دادیم، بزرگوارانه به عالم آخرت وارد می‌کنندش.

سه ویژگی آمادگی برای مرگ در کلام امام علی(ع)

حجت الاسلام والمسلمین جاودان به حدیثی از امیرالمومنین(ع) درباره آمادگی برای مرگ اشاره کرد و گفت: از ایشان پرسیدند «من استعداد الموت؟» آمادگی برای مرگ چیست؟ شما اغلبتان جوانید و ان‌شاءالله سالهای سال به خوبی و سلامتی زندگی خواهید کرد و عاقبتتان خیر است اما برای امثال بنده آدم چطوری برای مرگ آماده باشد؟ آن حدیث قبلی یادتان باشد که فرمودند خانه‌ها و قصرهایش را ساخته. این هم شبیه آن است. معنایی با زبان دیگر است. فرمود: «أفضل العبادة أداء الفرائض واجتناب المحارم» فرد واجباتش را انجام دهد و کم نگذارد. ببینید این را تکرار می‌کنم. اگر من واجباتم را انجام می‌دهم این به زندگی لطمه نمی‌زند اما زندگی پاک می‌شود. کارت به جای خودش است؛ زن و زندگی و درس جای خودش است. می‌گویند در این زندگی گناه نباشد. امام فرمودند: واجبات را عمل می‌کند و از گناهان پرهیز می‌کند. این حرفی است که بنده شاید هر شب تا پایان دهه و شاید هزار بار دیگر عرض کرده باشم. هم برای خودم و هم برای شما. آدم باید هیچ گناهی نکند. می‌شود؟ بله! فقط به ذره همت می‌خواهد. اگر آدم زود شروع کند، زود موفق می‌شود و اگر دیر شروع کند، یک کم دیرتر موفق می‌شود اما می‌شود؛ اگر نمی‌شد نمی‌گفتند. من یک کمی دیر می‌آیم، یک کمی عادت کردم به گناه. حالا چه کار کنم؟ برای عادت به دستوراتی هست.

چگونه مرگ برای انسان عروسی می‌شود؟

وی در ادامه افزود: و سوم که خیلی سخت تر است. «والاشتغال علی المکارم» اخلاقش خوب باشد. کسی که اخلاقش خوب است و گناه نمی‌کند و دروغ نمی‌گوید؛ واجباتش را انجام می‌دهد و نمازش را اول وقت می‌خواند، این فرد چه مرگ بر او وارد شود و چه او بر مرگ وارد شود، فرقی نمی‌کند و مرگ برای او عروسی است. ببینید اگر برای من مرگ سخت است برای این است که اخلاق ندارم. داستان سعد بن معاذ را شنیدید. وقتی مادرش گفت که «خوش به حالت! گوارا باد بر تو بهشت». پیامبر فرمود «این حرف چه بود زدی؟». این درس برای همه‌مان است. «این حرف قرص که بچه‌ات حتماً بهشت است را از کجا گفتی؟ این را فقط امام و پیغمبر می‌دانند. به چه دلیلی گفتی؟ الان قبر او را چنان فشار داد». همه مضطرب شدند. این شهید است؛ شهید اولین قطره خونس همه گناهانش را می‌آمرزد. اما اخلاق بد داشت و در خانه با زن و بچه‌اش بد بوده است.

اخلاق گرگی انسان

این استاد اخلاق تأکید کرد: من کسی اگر حرف تند بزند، می‌خواهم 10 برابر جوابش را بدهم. این اخلاق آدمیزاد معمولی است. این را از کجا آدم آورده؟ از گرگ. این اخلاق می‌شود اخلاق گرگ. اگر من با اینها بجنگم، ممکن است آزاد شوم. باز این برای وقتی است که من این حرفها را جدی بگیرم نه اینکه بگویم من وقت این حرفها را ندارم. وقتی بگویم وقت ندارم، ممکن

است گرفتار شود.

آدم خوش اخلاق با مشخصاتی که گفته شد، هیچ باکی ندارد که مرگ بر او وارد شود یا او بر مرگ وارد شود. در داستان حضرت ابراهیم داریم که عزرائیل به صورت زیبایی خدمتشان آمد. به عنوان مزد آدم خوب همین بس که قیافه زیبای او را ببیند.

یک برگ درختان بهشتی، دنیا را گلستان می‌کند

حجت الاسلام والمسلمین جاودان با بیان اینکه خوشی‌های آن دنیا اصلاً در تصور ما نیست و در ذهن ما خطور نمی‌کند، تصریح کرد: ما چیزی را که ندیده باشیم برایش نمونه نداریم. مثلاً می‌گویند قطار فلان 450 کیلومتر سرعت دارد. ما قطار با سرعت 100 کیلومتر در ساعت را دیدیم و می‌گوئیم این 3 یا 4 برابر آن سرعت دارد. تصور داریم. اما آنجا تصور ندارید. مکرر گفتم اگر یک برگ از درخت بهشتی بردارند و بیاورند در این عالم، همه کره زمین گلستان می‌شود. اصلاً یک چیز دیگری است. یک قطره از آب دهان بهشتی همه دریاها را شور را شیرین می‌کند.

اصلاً قابل مقایسه نیست. بنابراین جبران باید کرد. باید فکر کند در موردش. یک بهانه پیدا کنیم از دوستان حلالیت بطلبیم و جبران کنیم.

امام حسین(ع) سعی کرد حادثه عاشورا گم نشود

وی در ادامه به واقعه عاشورا اشاره کرد و گفت: شب اول گفتم که جریان عاشورا جریانی است برای اتمام حجت برای همه عالم اسلام. تنها فرزند باقی مانده پیامبر(ص) با تمام خانواده‌اش آمدند قتل عام و اسیر شدند. برای چه؟ این باید سوال شود در همه عالم اسلام که مردم بگویند چرا و به چه دلیل؟ امام حسین (ع) سعی کرد که حادثه گم نشود. عصر روز تاسوعا لشکر دشمن آمد که تمام کند داستان را. اگر تنها سواران این لشکر می‌تاختند، مگر چند تا خیمه بود؟ همه زیر دست و پای اسبها از بین می‌رفتند. امام حسین(ع) چه کرده بود؟ دور خیمه خندق کنده بود. خندق هم کافی نبود. آتش درست کرده بود که اینها نتوانند راحت بیایند. شمر که یکی از بانیان بود، با لشکر آمد پشت خندق‌ها. یکی از فرماندهان لشکر گیر کرده بود و آمده بود. بهش گفتند خیلی مردی که می‌خواهی به جنگ زن‌ها بروی؟ به غیرتش برخورد و برگشت.

این مدرس علوم حوزوی تأکید کرد: برای آنها ساده بود تمام کردن داستان. اما امام می‌خواست روز عاشورا بشود و با اینها حرف بزند. لذا خطبه خواند که «در عالم بگردید یک پسر پیغمبر دیگری غیر از من پیدا می‌کنید؟ اگر نمی‌دانید بروید از بزرگترهایی(اسم بردند) بپرسید که جدم در مورد من و برادرم چه گفته؟ ما سادات جوانان بهشتیم». امام می‌خواست همه بفهمند که چه کار دارند می‌کنند؟ البته آنها نمی‌توانستند فکر کنند. وقتی هم سوال کردند، حضرت فرمودند شیطان اینها را زنجیر کرده. اینها حرام خوردند و زنجیر شیطان شدند. اما گفت که در تاریخ ماند تا مردم عالم هزار سال بعد فکر کنند چرا امام حسین(ع) به کربلا رفته و بچه 6 ماهه‌اش را کشتند. یک نقل دارند که یک بچه روز عاشورا متولد شده بود. این را آورده بودند امام در گوشش اذان بگوید. دشمنان این را هم شهید کردند.

حجت الاسلام والمسلمین جاودان در پایان تصریح کرد: امام می‌خواست حجت را تمام کند تا مردم عالم بدانند چرا آنها را قتل عام کردند. امام می‌خواست بگوید من دولت یزید را قبول ندارم و این دولت را اسلامی نمی‌دانم. دولت آتیل، هلاکو و چنگیز هم بوده اما اینها که دولت اسلام نیستند؛ دولت زور و قتل عامند. امام می‌خواست بگوید که این دولت اسلامی نیست.